

بلاغت هوشمندانه و هوشمندی ابلهانه!^۱

یزدان منصوریان، دانشیار دانشگاه خوارزمی

یکی از خوبی‌های دنیای داستان این است که پرنده‌خیاال نویسنده می‌تواند تا دوردست‌ها به پرواز درآید، قدم به اقلیم‌های ناشناخته بگذارد و هر اتفاق عجیب و غریب را ممکن و معمولی جلوه دهد. هر چه ذهن نویسنده ورزیده‌تر باشد توانایی پرش او در قلمرو گسترده‌خیاال و رویا بیشتر است و خواننده می‌تواند با او تا سرزمین‌های شگفت‌انگیز و پر رمز و راز سفر کند. البته هنر نویسنده این است که در خلال خیاال‌پردازی همیشه ردپایی از واقعیت را حفظ می‌کند تا خواننده بتواند با رخدادهای قصه همذات‌پنداری کند. یا به قول استاد خرمشاهی در کتاب «ترجمه کاوی» تجربه‌ای از همسان‌انگاری، یگانگی، همانندی، یکسانی یا همسانی داشته باشد. در نتیجه دنیای داستان به رغم دوردستی، ملموس و آشناست.

به همین دلیل هر چه تجربه‌ی زندگی نویسنده اصیل‌تر و پربارتر باشد، قدرت‌ش برای ساختن، پرداختن و باورپذیری روایت‌های غریب بیشتر خواهد بود. حال نویسنده‌ای با تجربه‌ی طولانی روزنامه‌نگاری که سالها مجبور بوده گزارش رخدادهای واقعی را بنویسد، زمانی که خیاال داستان‌نویسی به سرش بزند می‌تواند خالق روایت‌های بدیع باشد. زیرا در مخزن حافظه گنجینه‌ای از روایتها دارد که هر یک می‌توانند بخشی از داستان غریب او را بسازند.

گویا به دلیل همین تجربه‌ی روزنامه‌نگاری است که آقای «یوناس یوناسن»^۲ - روزنامه‌نگار کهنه‌کار و رمان‌نویس تازه‌کار سوئدی - از روزی که تصمیم گرفت نویسندگی پیشه کند، پس از نوشتن نخستین رمانش در زمانی بسیار کوتاه به شهرت جهانی رسید. اولین اثر او رمانی با عنوان «مرد

^۱ منصوریان، یزدان (۱۳۹۴) بلاغت هوشمندانه و هوشمندی ابلهانه! مروی بر رمان مرد صدساله‌ای که از پنجره فرار کرد و ناپدید شد. اثر یوناس یوناسن. منتشر شده در: پایگاه لیزنا، بخش برگ سپید، ۵ مهر ۹۴.

^۲ Jonas Jonasson

صد ساله‌ای که از پنجره فرار کرد و ناپدید شد^۳ بود که ابتدا در سال ۲۰۱۰ در سوئد رکورد پرفروش‌ترین کتاب را به خود اختصاص می‌داد. سپس طی دو سال، سه میلیون نسخه آن در سراسر دنیا به فروش رسید. اکنون ترجمه‌های آن در ۳۵ کشور منتشر شده و هر روز بر تعداد این خوانندگان افزوده می‌شود. تا امروز فروش این کتاب در جهان از مرز شش میلیون نسخه گذشته است. در ایران نیز دو ترجمه فارسی آن تقریباً همزمان راهی بازار نشر شدند. انتشارات به‌نگار ترجمه شادی حامدی را منتشر کرده و انتشارات نیلوفر ترجمه خانم فرزانه طاهری را در اختیار علاقه‌مندان گذاشته است.

کتاب حاضر روایت زندگی پیرمرد صد ساله‌ای به نام «آلن کارلسن»^۴ است که روز تولد صدسالگی‌اش از پنجره اتاقی در آسایشگاه سالمندان می‌گریزد و همزمان با همه ماجراهایی که پس از این گریز دیرهنگام برایش رخ می‌دهد، قصه پر فراز و نشیب یک قرن زندگی خود را برای خواننده روایت می‌کند.

پارادوکس (تناقض) محور اصلی همه این روایتهاست که در سراسر این کتاب دیده می‌شود. به این معنا که هر چه آلن زندگی را ساده می‌گیرد با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه می‌شود، هر چه می‌خواهد از ماجراها دوری کند بیشتر به کانون رخدادها پرتاب می‌شود، هر چه از سیاست می‌گریزد، بیشتر سر و کارش با سیاستمداران می‌افتد. او که در جستجوی پول نیست، بارها کلی پولدار می‌شود؛ اهل خودنمایی و تظاهر نیست، اما اغلب در کانون توجه دیگران قرار می‌گیرد! از سویی دیگر هر چه ابلهانه‌تر رفتار می‌کند در نظر دیگران زرنکتر و باهوشتر جلوه می‌کند. در مجموع زندگی برای آلن تبلور یک بلاهت هوشمندانه و شاید یک هوشمندی ابلهانه است! زندگی او به طرز غریبی یک شوخی جدی و یک جدیت طنزآلود است!

³ The Hundred-Year-Old Man Who Climbed Out the Window and Disappeared

⁴ Allan Karlsson

حال با این مقدمه تصور کنید زندگی آدمی با این ویژگی‌ها چقدر می‌تواند پرماجرا باشد. البته برای آنکه جذابیت داستان از بین نرود در اینجا به اصل ماجراها اشاره‌ای نمی‌کنم تا خودتان متن را بخوانید. اما اجازه می‌خواهم همنی نکته را نیز اضافه کنم که ارزش این کتاب زمانی افزون می‌شود که نویسنده همهء اتفاقات زندگی شخصیت خیالی خود را با تحولات قرن بیستم همراه کرده است. به این ترتیب آلن در تلاقی دو دنیای خیال و واقعیت به اندازهء کافی فرصت دارد که بیشتر و بیشتر با بلاهت‌های هوشمندانه خود، خواننده را سرگرم کند. در کنار این سرگرمی کمی هم تاریخ معاصر به او یاد می‌دهد. بنابراین، خواننده فرصتی دارد تا وقایع قرن پرتلاطم بیستم را در کنار آلن مرور کند.

به این شکل است که آقای یوناسن موفق می‌شود رنگی از طنز بر تاریخ این قرن و فجایع تلخ آن پاشد تا خواننده از خواندن کتاب دست نکشد و تا پایان با او همراه باشد. گویی نویسنده که سالها گزارشگر خبرهای بد از دنیای واقعی بوده است، ترجیح داده به دنیای خیال پناه ببرد و به همهء آن ماجراها را که سال‌های از منظر یک روزنامه‌نگار نگریسته، این بار از منظر یک رمان‌نویس شوخ‌طبع بازنویسی کند. در نتیجه زمانی که اخبار واقعی به روایت‌های داستانی تبدیل می‌شوند، او دیگر نگران همخوانی خبرها با واقعیت نیست. بلکه او دنیای تازه‌ای را خلق می‌کند و ترجیح می‌دهد این دنیای جدید بیش از دنیای واقعی دچار «بلاهت هوشمندانه» باشد. مسئولیت همه چیز را به هم به آلن سپرده که با بخت و اقبال بلند و بی‌نظیر خود و با آرامشی رشک‌برانگیز از دل همهء این جریانات سهمگین با گامهایی مطمئن و به سلامت عبور کند.

در مجموع می‌توان گفت رمان «مرد صد ساله‌ای که از پنجره فرار کرد و ناپدید شد» هم اثری سرگرم‌کننده است، هم مروری بر تاریخ قرن بیستم ارائه می‌کند و هم ماهیتی فلسفی دارد. در نتیجه دامنهء مخاطب آن گسترده است و هر یک از خوانندگان می‌توانند از منظری متفاوت به آن بنگرند و از خوانندش لذت ببرند. ضمناً پیش از این یادداشت، معرفی مفصلتری دربارهء این کتاب نوشته‌ام که در شمارهء ۳۱۵ جهان کتاب منتشر شده و متن کاملش را می‌توانید از [این نشانی](#) دانلود کنید.